



## عشق در دریچه ادبیات فارسی

جواد شاهرخی

دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس دکتر شریعتی ساری

### خلاصه

تعریف عشق و سخن گفتن از صفات آن به اقرار بزرگانی که آن را آزموده و چشیده اند کاری است بس دشوار ولی با این حال عشق همواره یکی از موضوعات اصلی شعر فارسی و عالی ترین و مهم ترین بنیاد عرفان است. هر چند شکل پرداختن به عشق در دوره های مختلف شعر فارسی، بنا به شرایط خاص اجتماعی متفاوت بوده است، اما هیچ گاه پرداختن به آن در شعر فارسی فراموش نشده است. در این مقاله سعی گردیده گوشه ای از مطالب و موضوعات بسیار بی شماری که در مورد عشق در ادبیات غنی و ارزشمند پارسی وجود دارد را مورد بررسی اجمالی قرار دهد و دیدگاه ها برخی شاعران را در این مورد بررسی کند. روش پژوهش و تحقیق در این مقاله توصیفی-مقایسه ای و شیوه گرد آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است...

**کلمات کلیدی:** عشق، ادبیات، شعر، انواع عشق، دیدگاه شاعران

### ۱. مقدمه

عشق حقیقی، قدمتی به قدمت خداوند متعال دارد. عشق ودیعه ای الهی است که در وجود انسان نهاده شده و با ذات و فطرت وی عجین شده و انسان پیوسته به دنبال معبود و معشوق حقیقی بوده است. عشق حقیقی مثل روح است، افراد زیادی درباره ی آن صحبت می کنند، ولی تعداد معدودی آن را دیده اند. کلید قلب، زندگی و روح من .... همه در دستان اوست. او مالک آن است فقط باید کلید را بچرخاند و بگذارد تا با تمامی شور و عشقم او را در برگیرم.

البته تعریف از عشق و سخن گفتن از صفات آن به اقرار بزرگانی که آن را آزموده و چشیده اند کاری است بس دشوار. عشق علی رغم دل انگیزی و شور آفرینی تعریف ناپذیر است و شاید پیشینه آن به خلقت آدمی می رسد.

عشق در خلق شاهکارهای ادبی نقش بسزایی داشته و خود نیز در این آثار جلوه های گوناگونی یافته است، ولی در تحقیقات و مقالات مربوط به ادبیات به نظرم آنچنان که باید به عشق پرداخته نشده به همین علت تصمیم گرفتم مقاله ای در این باب بنویسم.